

دفاتر حقوقی دکتر شاهین صداقت

وکیل رسمی دادگاه های
کالیفرنیا و فدرال



✓ دفاع در دادگاه های مهاجرت (اخراج)

✓ ویزاهای کوتاه مدت کاری

✓ ویزاهای تحصیلی

✓ کارت سبز از طریق خانواده

✓ کارت سبز از طریق کار

✓ مشاوره با افرادی که در بازداشت هستند

پیشنهاد میکنیم برای بر طرف کردن موانع مهاجرتی از

وکلائی رسمی استفاده نمائید و قبل از استرداد تقاضای

ویزا با آنان مشورت نمائید.

(818) 382-3333

(818) 382-3319

15250 VENTURA Blvd, #802

www.visaattorney.com

در مجالس بزم با یک دسته از دوستان که انگل او شده بودند صرف می کرد.

نمونه دیگر بخشش او را در قهوه خانه محل پاتوقش می بینیم ، زمانی که بابت خسارت کاکارستم ، کیسه ای پول به قهوه چی می دهد. معلوم نیست که اگر پدر داش آکل از ملاکین بزرگ فارس نبود ، آیا محبوبیت لوطی با معرفت شیراز به همان اندازه بود ؟ داش آکل نه تنها در به دست آوردن مال خودش هیچ نقشی نداشته بلکه از حفظ آن نیز ناتوان بوده : کسی که توی مال خودش توپ بسته بود واز لابلای گری مقداری از دارایی خودش را آتش

رابطه به موضوع چندگانگی معنا در متن می توان توجه کرد . رابطه تاویل های مختلف از این متن نیز مبحث قابل توجهی است . در مقایسه بین این تاویل ها می توان دریافت که معناهای گذشته چگونه تغییر می کنند و حرف های تازه کدامند ؟ و از دیدگاه ساخت شکنی چه معانی دیگری تاویل مسلط اصلی را از زیر نفی می کنند و چه تاویل های تازه ای آن تاویل مسلط را از بین می برند؟ همچنین به یاری شیوه ساخت شکنی می توان لحظات حاشیه ای و به ظاهری اهمیت داستان را ، که شیوه تاویل قبلی آنها را چنین نشان می دهد ، برجسته و بر



زده بود.

بدین ترتیب ، داش آکل از نظر اقتصادی مصرف کننده ای است که از مال پدرش که اکنون مال اوست به دیگران نیز می بخشد. بیکاری و زندگی فاقد مسئولیت لوطی ها که تنها مشغله جدی اش حفظ موقعیت قدر قدرتی است مشخصه دوران زندگی داش آکل پیش از عاشق شدن اوست . داش ها برای حفظ جایگاه اول لوطی ، پهلوان اولی و قدرتمندترین فرد در محله و شهر ناگزیز از نشان دادن دائمی ضرب شصت و نسق گیری بودند . داش آکل در شهر مانند گاو پیشانی سفید سرشناس بود و هیچ لوطی پیدا نمی شد که ضرب شصتش را نچشیده باشد .

هیچ لوطی ای مرد میدان و حریف داش آکل نبود . همه از دست او زخم خورده بودند و پیش او لنگ می انداختند . داش آکل چشم نداشت بالای دست خودش کس دیگری را ببیند. سر و صورت داش آکل پر از جای زخم قمه و قداره بود. این نشانه ها حاکی از آن است که او چگونه از طریق ستیزه جویی مردانه جایگاهی را در سلسله مراتب داش ها و لات های شیراز برای خود کسب کرده و سرشناس شده بود . تحقیر کردن و رجزخوانی یکی دیگر از سلاح های داش ها بوده است برای ایجاد جو ارباب و سلطه جویی .

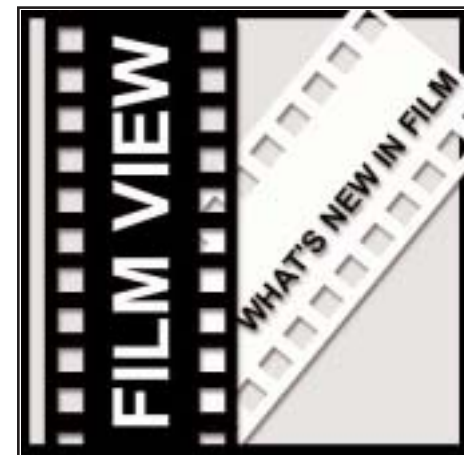
اهمیتشان تاکید کرد .

نگاهی دیگر به داستان داش آکل نقد لوطی گری جوانمردانه

یکی از خصیصه های مشترک اغلب لوطی ها و داش های محلات ، در گذشته - که این پدیده ها رواج بیشتری داشتند - نداشتن شغل و کار مستمر و ثابت بود . کسب و حفظ جایگاه پهلوان در محله و شهر مستلزم درگیر شدن در منازعات و مجادلات بسیاری بود که وقت لازم داشت . داش آکل نمونه یک لوطی با معرفت و کاکارستم یک گردن کفت و قلدر لات هر دو بیکارند . محل درآمد و معاش زندگی داش آکل میراث و مایملک پدری است و از آن کاکارستم اخاذی از مردم . بخشی از محبوبیت داش آکل نزد مردم به خاطر بذل و بخشش های او از محل همین میراث پدری است .

پدر او یکی از ملاکین بزرگ فارس بود ، زمانی که مرد همه دارایی او به پسر یکی یکدانه اش رسید . ولی داش آکل پشت گوش فراخ و گشاد باز بود ، به پول و مال دنیا ارزشی نمی گذاشت ، زندگی اش را به مردانگی و آزادی و بخشش و بزرگ منشی می گذرانید. هیچ دلبستگی دیگری در زندگانش نداشت و همه دارایی خودش را به مردم ندار و تنگدشت بذل و بخشش می کرد ، یا عرق دو آشته می نوشید و سر چهارراهها نعره می کشید و یا

ادامه دارد



مریم خراسانی قسمت اول

مقدمه

■ نویسنده‌گان و خوانندگان زن همواره ناگزیرند خلاف جهت جریان شنا کنند. بعضی زنان نویسنده و منتقد ارزش‌های ادبی و فرهنگی زیر سلطه مردان را زیر سوال می‌برند، تاویل‌های جدیدی از متون ادبی به دست می‌دهند کاملاً متفاوت با تاویل‌های رایج مردانه و سبب دگرگونی در داوری‌های مرسوم می‌شوند. نقد هرگونه متن، خواندن متن و هر شکل دریافت اثر هنری ناگزیر استوار به جنسیت است.

ایدئولوژی جنسی بر چگونگی خواندن نوشته‌ها و تفسیر آنها تاثیر می‌گذارد. ولی ایدئولوژی جنسی ضرورتاً با جنس بیولوژیک زن یا مرد همراه نیست. این ایدئولوژی مانند هر نوع بینش و یا تفکری می‌تواند انتخابی باشد، چنان‌که بینش‌های مردانه را در زنان و بینش‌های زنانه را در مردان می‌توان یافت.

تائیت وجهی از هستی و سخن است و لزوماً با زنان یکی نیست. تائیت بر وجود نیرویی در درون جامعه و در تقابل با آن دلالت می‌کند. بر اساس این نظریه‌ها زنانه و مردانه مفاهیمی فرهنگی هستند که به دو گروه خصوصیات روحی، روانی و دو گونه ارزش‌اطلاق می‌شوند. مردانه در راستا و هم جهت با معیارها و ارزش‌های مسلط و زنانه در تقابل با آنها وجود دارند.

کلیه متون به ویژه متون ادبی معنایی مطلق و قطعی ندارند. می‌توان از زوایای مختلف به یک متن نگاه کرد و به تفاوت‌های قابل توجهی رسید. هر قرائت جدید هم عملی شخصی است و هم عملی عمومی... خواندن فرایندی بین‌الذاتانی است، زیرا خواننده با خواندن متن از معنا و مفهومی که شخصی دیگر یعنی نویسنده در نظر داشته است فراتر می‌رود. در مورد متون ادبی گذشته باید گفت که نویسنده نمی‌توانسته است ارتباطات انسان‌های دوران خودش را آنگونه ببیند که خواننده امروزی دریابد، یعنی یک اثر ادبی در دوران‌های مختلف و برای خوانندگان مختلف معنای متفاوتی در بر دارد. خوانندگان آزادند که متن را با نظام‌های



فمینیستی است و با تاویل‌های تاکنون موجود از این متن بسیار متفاوت می‌باشد. تردیدی نیست که راز زنده ماندن و جان داشتن هر اثر ادبی وجود تاویل‌های مختلف و مستمر از آن و چالش بین آنهاست. در این نوشته تاکید من بر تفاوت تصویری است که از زن و مرد در داستان ارائه شده و نیز تفاوت ارزش‌هایی است که با ارزش‌های ارائه شده در تاویل‌های مردانه رایج وجود دارد.

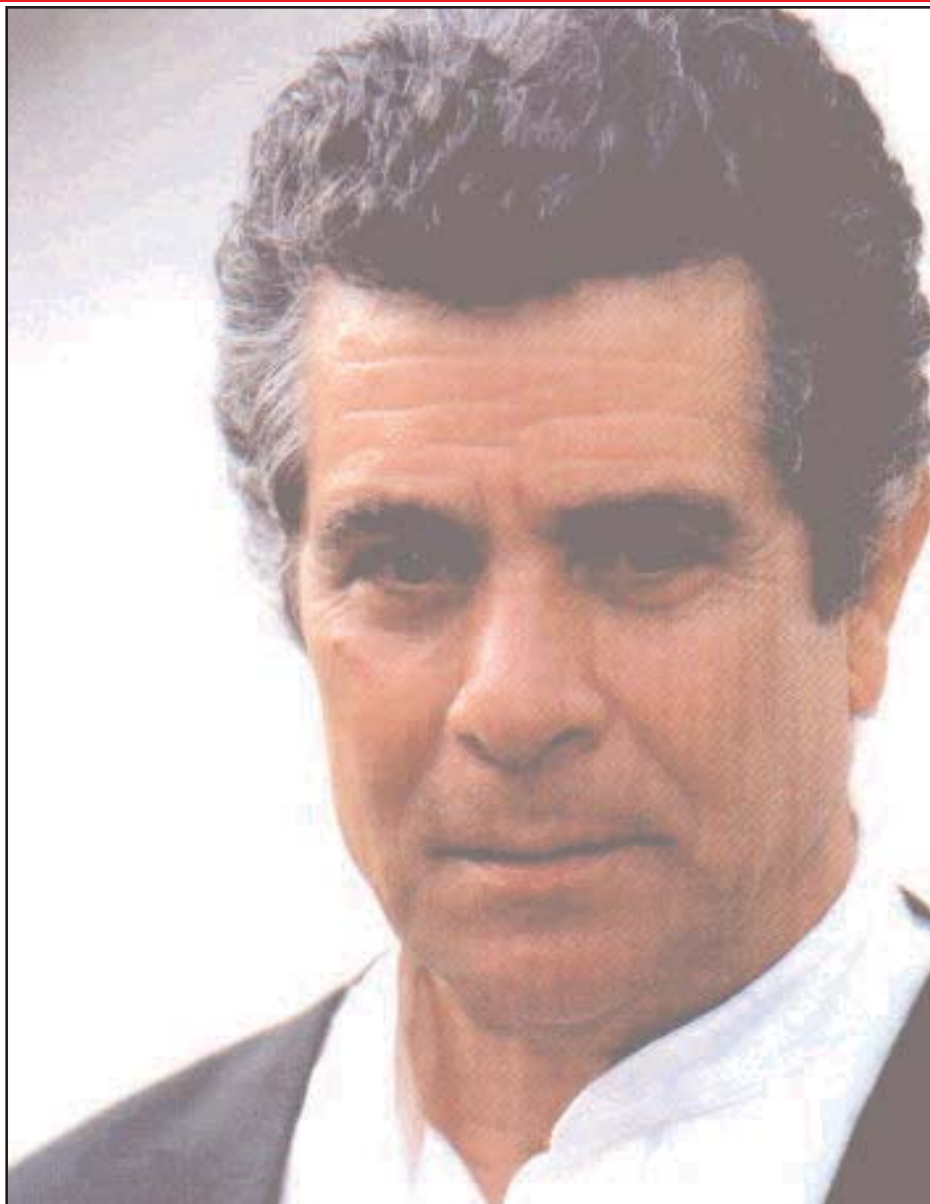
به عنوان مثال در نقدهای گذشته، داش آکل نماد لوطی با معرفت و کاکا رستم لات گردن کلفت و قلدر معرفی شده‌اند و به تبع چنین تحلیلی منتقدان به ستایش داش آکل و لوطی‌گری جوانمردانه پرداخته‌اند. در بخشی

مبارزه فرهنگی عمیق با آن بوده است. همچنین در زمینه نقد ارزش‌های مردانه در تاویل‌های متداول و منتقد دارای نگرش زنانه بر نکاتی انگشت گذاشته‌ام که منتقدان با بینش مردانه یا ندیده‌اند یا بی‌توجه از کنارشان گذاشته‌اند از جمله ارزش‌های مردانه‌ای همچون لوطی‌گری، ناموس پرستی، غیرت، قیومیت، جوانمردی، پرهیز از زن و عشق، ناظر اموال زنان بودن و نقد آنها، من به این مفاهیم با نگاه متفاوتی نگریسته‌ام و در واقع تاویل من واژگون‌گونه‌ای است از تاویل‌های مسلط مردانه چون خواننده زن برخلاف مسیر شنا می‌کند و برخلاف مردان می‌بیند و تاویل می‌کند.

بازخوانی داستان داش آکل

ساختار اصلی داستان داش آکل همان طور که از اسم داستان پیداست بر محور شخصیت و زندگی داش آکل می‌گردد. شخصیت اصلی داستان اوست و بخش عمده روایت و گفته‌های راوی به توصیف خصائل و صفات او و تراژدی زندگی‌اش و برتری شخصیتی او نسبت به کاکا رستم که بنا به تاویل‌های مسلط نماینده لومپنیسم و لات‌هاست اختصاص دارد. ولی آیا تنها معنای این متن ادبی، آنچنان‌که این تاویلها تاکنون بیان کرده‌اند، همین است؟ این داستان شخصیتی به ظاهر فرعی و حاشیه‌ای دارد به نام مرجان که از نخستین لحظه حضورش در داستان تا پایان آن تاثیر شگفت‌انگیز خود را بر شخصیت محوری - داش آکل - و سرنوشت او باقی می‌گذارد. به این اعتبار مرجان شخصیتی فرعی و حاشیه‌ای نیست و در اینجا می‌توان به خوبی نشان داد که ادبیات خودش ساخت خود را می‌شکند.

در این نوشته روشن می‌شود که داستان داش آکل را می‌توان به شیوه‌های مختلفی خواند و به تاویل‌های گوناگونی رسید. در این



معنا مرتبط سازند و قصد مولف را فراموش نکنند.

الن شوالتر می‌گوید: رسالت نقادی فمینیستی یافتن زبان تازه‌ای است. راهی نودر خواندن که بتواند هوشمندی ما را با تجربه‌هایمان همراه کند و خرد ما را با رنج‌هایمان و شک‌آوری‌های ما را با بینشمان. نگاه من هنگام خواندن و نقد داستان داش آکل مبتنی بر مفاهیم

از این نوشته قصد من آن است که پدیده لوطی‌گری را ضمن آوردن شواهدی از داستان داش آکل نقد کنم و ریشه‌های فرهنگی خشونت آفرین آن را نشان دهم. تحسین کنندگان لوطی‌گری در فرهنگ مردانه ایران به خشونت درونی این پدیده بی‌توجه بوده‌اند و همین امر مانع از همه‌جانبه دیدن این پدیده و

